

میراث مشروطه حکمرانی قانون

مرگ در مسیر بی احتیاطی

نادیده گرفتن هشدارهای امدادی
ضعف آموزش و بازدارنده نبودن قوانین
دامنه قربانیان جاده ها و طبیعت را
گسترده تر کرده است

یک سال پس از شایعه ذبح گوزن زرد ایرانی در مراسم اربعین
«پیام ما» دلایل انتشار این شایعه و برنامه های حفاظتی این گونه را بررسی می کند

«روشنکوه» و «باغ شادی» میزبانان جدید گوزن زرد ایرانی





آشوب ولی ا قاجار

در سالروز صدور فرمان مشروطه، یک تاریخ پژوه از مهم ترین دستاورد این انقلاب می گوید

میراث مشروطه؛ حکمرانی قانون

سید سعید میرمحمدصادق؛ مهم ترین نتایج انقلاب مشروطه، ورود مردم به ساختار قدرت، شکل گیری مجلس و حاکم شدن قانون بر اداره کشور بود

انقلاب مشروطه یکی از مهم ترین وقایع در تاریخ معاصر ایران است. واقعه‌ای که قدرت را از حاکمیت مستقر و مسلط گرفت و به دست مردم سپرد. این انقلاب، زمینه حکمرانی قانون را در کشور فراهم کرد و تأثیر چشمگیری بر پیگیری و تحقق مطالبات مردمی می گذاشت. آزادی مطبوعات و رسانه‌ها نیز از دیگر دستاوردهای مهم انقلاب مشروطه بود.

این تاریخ پژوه با اشاره به قدرت خلافت در دوران اموی و عباسی می‌دهد: پس از فتح ایران و شکل‌گیری خلافت اموی و عباسی، ساختار قدرت تغییر کرد و نهاد خلافت به بازیگر اصلی تبدیل شد. در این دوره نیز سهم مردم از قدرت ناچیز بود و قدرت میان خلافت و حکومت‌های استیلا تقسیم می‌شد. او حمله مغول را یکی از نقاط گسست در تاریخ سیاسی ایران می‌داند و می‌گوید: «حمله مغول نظم پیشین را به‌طور کامل برهم زد. نه از سلطنت حاکمان مورد تأیید خلافت خبری بود و نه از اقتدار خلافت. قدرت تقریباً به‌طور کامل از اختیار حاکمان مغول قرار گرفت و تنها نقش محدود وزیران ایرانی بود که به‌تدریج توانستند مغولان را با فرهنگ و سنت حکمرانی ایرانی آشنا کنند و آنان را در فرهنگ ایران جذب کنند.»

۳ حکومت، رکن اصلی قدرت

این تاریخ‌پژوه با مرور دوره صفوی، از بازگشت الگوی سنتی قدرت سخن می‌گوید؛ الگویی که در آن سلطنت و نهاد دین بار دیگر به دو رکن اصلی اداره کشور تبدیل شدند: «با شکل‌گیری حکومت صفوی، بار دیگر سلطنت و نهاد دین به دو رکن اصلی قدرت تبدیل شدند. در دوره شاه طهماسب، سهم هر دو نهاد



ا صبا رضایی ا

ا روزنامه‌نگارا

مشروطه این اندیشه را مطرح کرد که اداره کشور نباید بر اساس اراده فردی یا مصلحت‌های مقطعی باشد، بلکه همه امور باید در چارچوب قانون انجام شود

«سید سعید میرمحمدصادق»، تاریخ‌پژوه، در گفت‌وگو با «پایام ما» با اشاره به تحول مفهوم قدرت در ایران پس از انقلاب مشروطه، می‌گوید: «انقلاب مشروطه نقطه عطفی در تاریخ سیاسی ایران بود، زیرا برای نخستین بار در دل نظام سلطنتی، قدرت مردم به رسمیت شناخته شد. تا پیش از آن، ساختار قدرت در ایران عمدتاً میان نهاد سلطنت و نهاد دین تقسیم شده بود و مردم سهم بسیار اندکی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی داشتند.»

به گفته او، اگر تاریخ ایران را از دوره‌های پیش از اسلام مرور کنیم، می‌بینیم که قدرت عمدتاً در اختیار حاکمیت بود و نهاد دین نیز در کنار آن نقش مهمی ایفا می‌کرد: «در دوره ساسانیان، جایگاه نهاد دین تقویت شد و روحانیت سهم بیشتری از قدرت به دست آورد، اما مردم همچنان نقش محدودی در اداره کشور داشتند.»

ا گزارش ا

فروش آسان «ناس» و تبلیغ مواد محرک در فضای مجازی، زنگ خطر را برای کودکان و نوجوانان به صدا درآورده است

دامی دلربا برای نوجوانان

وقتی نوزادانی از والدینی دارای اعتیاد، یا به جهان هستی می‌گذارند، یا کودک و نوجوانی که پدر یا مادرش در برابر دیدگان معصوم آن‌ها مواد مصرف می‌کند، می‌توانیم بگوییم که او از کودکی با مواد مخدر آشنا است. از سوی دیگر، برخی مواد، به گفته مسئولان سازمان بهزیستی، در کوچه و خیابان و حتی در مدرسه برای او فراهم است و چه بسا از همان کودکی مصرف را آغاز کند. به گفته «نسیم صادقی»، دکترای مطالعات اعتیاد، ترکیب اعتیاد والدین، دسترسی آسان به مواد محرک و تبلیغات بی‌ضابطه در شبکه‌های اجتماعی، زنجیره‌ای از عوامل را شکل داده که می‌تواند مسیر اعتیاد را از سال‌های کودکی آغاز کند.



ا یاسر مختاری ا

ا روزنامه‌نگارا

شیوع اعتیاد در میان کودکان و نوجوانان، بزرگ‌ترین تهدیدی است که یک جامعه می‌تواند با آن مواجه باشد؛ خطر این موضوع چه‌بسا به اندازه یک جنگ باشد. به همین دلیل، بسیاری از جوامع، شدیدترین نظام‌های مراقبتی را برای دور نگه‌داشتن کودکان و نوجوانان از این آسیب اجتماعی بزرگ به کار می‌گیرند.

اگرچه عمدتاً شیوع مواد مخدر در این طیف سنی به دلیل اعتیاد والدین آغاز می‌شود، اما دسترسی آسان به برخی مواد مخدر (ناس)، به گفته مسئولان سازمان بهزیستی، ممکن است آغاز وابستگی و اعتیاد به مواد مخدر باشد؛ موضوعی که نه تنها زمینه‌ساز اعتیاد می‌شود، بلکه ممکن است موجب بیماری‌های دهان و دندان و حتی سرطان در میان آنان شود.

۳ والدین، آغازگر اعتیاد در کودکان

«مصطفی محمدپور»، رئیس اداره بهزیستی کاشمر، با اشاره به گسترش اعتیاد در میان نوزادان و کودکان کم‌سن گفت: «اکثر مادرانی که به مواد مخدر اعتیاد دارند، به‌ویژه هنگامی که مادر معتاد نوزادی به دنیا می‌آورد، این نوزاد به‌طور ناخواسته از بدو تولد با اعتیاد متولد می‌شود. همچنین در خانواده‌هایی که پدر و مادر هر دو معتاد هستند، کودک در دوران کودکی و معمولاً تا حدود ۱۰ سالگی بیشتر وقت خود را در خانه می‌گذراند. به دلیل قرار گرفتن مداوم در معرض دود مواد مخدر که اصطلاحاً «دودخور شدن» نامیده می‌شود، به مصرف مواد روی می‌آورد و علائم و حالات بیماری یک فرد معتاد را در خود بروز می‌دهد.»

به گزارش «پایام ما» و به نقل از ایلنا، محمدپور همچنین در خصوص نوزادان نیز اظهار کرد: «در خصوص کودکان و نوزادانی که با آن‌ها سروکار داریم، عمدتاً مشاهده می‌شود که پدر و مادر معتاد هستند. نوزاد با به دلیل اعتیاد مادر، معتاد به دنیا می‌آید یا در محیطی که هر دو والد مصرف‌کننده مواد مخدر هستند، به علت استنشاق دود و آلودگی خانواده به مواد، دچار اعتیاد می‌شود؛ زیرا همواره در کنار پدر و مادر قرار دارد.» او افزود: «با

قابل توجه بود و در اواخر این سلسله، به‌ویژه در دوره شاه سلطان حسین، نفوذ نهاد دین بیش از گذشته افزایش یافت. پس از سقوط صفویان و دوران آشوب، در دوره نادرشاه دوباره قدرت در اختیار حکومت مسلط قرار گرفت و نقش نهاد دین کاهش یافت.»

او درباره ساختار سنتی قدرت در دوران قاجار بیان می‌کند: «با روی کار آمدن قاجار و تثبیت حکومت توسط آقامحمدخان، ساختار سنتی قدرت دوباره شکل گرفت و همچنان سلطنت نقش غالب را در قدرت داشت، اما انقلاب مشروطه این روند تاریخی را دگرگون کرد.»

به اعتقاد میرمحمدصادق، مهم‌ترین تحول مشروطه، شکل‌گیری مجلس ورود مردم به فرایند تصمیم‌گیری سیاسی بود؛ برای نخستین بار مردم، هرچند با شیوه‌های انتخاباتی آن زمان، در انتخاب نمایندگان خود مشارکت کردند و قدرت از انحصار سلطنت خارج شد. در واقع، مجلس نماد حضور مردم در ساختار حکومت و مهم‌ترین دستاورد انقلاب مشروطه بود.

او می‌گوید: «البته این روند در دوره رضاشاه تا حد زیادی تغییر کرد. با تمرکز قدرت در نهاد سلطنت، نقش مجلس و در نتیجه نقش مردم کاهش یافت و هم‌زمان نفوذ نهاد دین نیز نسبت به گذشته کمتر شد.»

۴ حاکم شدن قانون بر کشور

میرمحمدصادق درباره مهم‌ترین میراث انقلاب مشروطه برای امروز می‌گوید: «مهم‌ترین میراث مشروطه، حاکم شدن قانون بر اداره کشور است. مشروطه این اندیشه را مطرح کرد که اداره کشور نباید بر اساس اراده فردی یا مصلحت‌های مقطعی باشد، بلکه همه امور باید در چارچوب قانون انجام شود. در نظام مشروطه، تشکیل نهادهای حکومتی، ایجاد وزارتخانه‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان باید بر اساس قانون و از مسیر مجلس انجام شود. دولت می‌تواند لایحه ارائه کند یا نمایندگان طرحی را پیشنهاد دهند، اما در نهایت این قانون است که چارچوب اداره کشور را مشخص می‌کند.»

این تاریخ‌پژوه با اشاره به شکل‌گیری سازوکارهای قانونی تأکید می‌کند: «یکی دیگر از پیامدهای مهم مشروطه، شکل‌گیری سازوکارهای قانونی برای پیگیری مطالبات مردم بود. پیش از آن، مردم برای طرح خواسته‌های خود عریضه‌هایی خطاب به شاه می‌نوشتند، اما با تشکیل مجلس، این مطالبات به سمت نهاد قانون‌گذاری هدایت شد و مجلس به مرجع رسیدگی به درخواست‌ها و شکایت‌های عمومی تبدیل شد؛ موضوعی که نشان‌دهنده تغییر جایگاه مردم در ساختار قدرت و حرکت کشور به سوی قانون‌مداری بود.»

میرمحمدصادق با اشاره به اهمیت اسناد مجلس در شناخت تاریخ اجتماعی ایران می‌گوید: «یکی از منابع بسیار ارزشمند برای مطالعه زندگی مردم در دوره مشروطه، مجموعه عریضی است که مردم به مجلس شورای ملی ارسال می‌کردند. کتابخانه مجلس بخشی از این اسناد را منتشر کرده و مطالعه آن‌ها برای پژوهشگران تاریخ اجتماعی معاصر اهمیت فراوانی دارد. زیرا نشان می‌دهد مردم با چه شکالونی روبه‌رو بودند و برای حل آن‌ها چه مسیری را دنبال می‌کردند.»

به گفته او، پیش از شکل‌گیری مجلس، مردم معمولاً عریضه‌های خود را برای شاه می‌نوشتند، اما پس از انقلاب مشروطه، این درخواست‌ها به مجلس ارائه می‌شد و نمایندگان آن‌ها را پیگیری می‌کردند؛ موضوعی که شاهدت زیادی به پیگیری مطالبات مردم از سوی نمایندگان مجلس در روزگار

کنونی دارد: «در میان این عریضه‌ها، مسائل متنوعی دیده می‌شود؛ از شکایت درباره بی‌عدالتی‌ها گرفته تا مشکلات معیشتی. برای نمونه، زنی در یکی از این نامه‌ها نوشته است که همسرش را به سربری برده‌اند، چند فرزند دارد، کسی برای تأمین معاش خانواده وجود ندارد و از مجلس خواسته است به وضعیت او رسیدگی شود. چنین اسنادی تصویر روشنی از دغدغه‌های روزمره مردم و سازوکارهای پیگیری مطالبات آن‌ها در آن دوره ارائه می‌دهد.»

۵ حرکت جامعه ایران به سمت قانون‌مداری

او معتقد است که یکی از مهم‌ترین آثار انقلاب مشروطه، حرکت جامعه ایران به سمت قانون‌مداری بود؛ آن هم از طریق نمایندگان که مردم انتخاب می‌کردند، نه افرادی که از سوی شاه منصوب می‌شدند؛ پیش از آن نیز مقرراتی وجود داشت، اما این مقررات در چارچوب نظام سلطنتی و به‌صورت فرمان، رقم و دستورالعمل‌های حکومتی صادر و اجرا می‌شد.

به گفته میرمحمدصادق، با تشکیل مجلس، قانون‌گذاری وارد مرحله تازه‌ای شد: «قوانین پس از بررسی و تصویب، برای کل کشور وضع و اجرا می‌شد و دیگر صرفاً فرمان یا دستور سلطنتی برای مورد یا فرد خاصی نبود، بلکه در قالب یک نظام حقوقی و ملی برای اداره کشور شکل می‌گرفت.»

او درباره نقش روشنفکران و مطبوعات در انقلاب مشروطه می‌گوید: «ترجمه آثار سیاسی و اجتماعی از دوره پیش از ناصری آغاز شده بود و نمی‌توان آن را صرفاً محصول دوره مشروطه دانست. در همان دوره نیز کتاب‌های متعددی ترجمه و منتشر می‌شد که زمینه آشنایی جامعه با پیشرفت‌های صنعتی و اندیشه‌های سیاسی جدید را فراهم می‌کرد.»

۶ محدودیت‌های فراوان مطبوعات در دوران ناصری

این تاریخ‌پژوه همچنین به شرایط روزنامه‌ها در دوران قاجار اشاره می‌کند: «روزنامه‌ها نیز از دوره محمدشاهی و بعد ناصری وجود داشتند، اما فعالیت آن‌ها با محدودیت‌های فراوان و تحت نظارت دربار انجام می‌شد و آزادی مطبوعات به معنای واقعی وجود نداشت. در عین حال، روزنامه‌هایی که در خارج از ایران منتشر می‌شدند، نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های نو و آشنایی نخبان با تحولات سیاسی و اجتماعی جهان ایفا کردند. هرچند میزان سواد عمومی در آن زمان پایین بود، اما افراد باسواد، مطالب منتشرشده در روزنامه‌ها و کتاب‌ها را برای دیگران بازگو می‌کردند و به این ترتیب، مفاهیم جدید به تدریج در جامعه گسترش می‌یافت.»

میرمحمدصادق تأکید می‌کند: «در کنار مطبوعات، روحانیون نیز نقش مهمی در آگاهی‌بخشی به مردم داشتند. آنان در کنار درباره اهمیت مشروطه سخن می‌گفتند و همچنین فتاوی‌ای علنی نجف و دیگر مراجع را برای مردم تشریح می‌کردند. به همین دلیل، حتی افرادی که سواد خواندن و نوشتن نداشتند نیز از طریق روحانیون با مفاهیم و اهداف مشروطه آشنا می‌شدند.»

او می‌گوید: «تجربه تاریخی نشان می‌دهد هر زمان که نقش مردم در ساختار قدرت افزایش یافته، مطبوعات نیز آزادی و تأثیرگذاری بیشتری پیدا کرده‌اند و هر زمان که قدرت در حکومت مستقر متمرکز شده، محدودیت رسانه‌ها نیز افزایش یافته است.»

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

ا گزارش ا

این مواد را بخشی طبیعی از زندگی روزمره تلقی می‌کند. در چنین شرایطی، والدین در آینده برای منع فرزند خود از مصرف مواد با دشواری بیشتری مواجه خواهند شد، زیرا رفتار خودشان به الگویی برای کودک تبدیل شده است.»

او تأکید کرد: «این مسئله تنها به مواد مخدر محدود نیست و حتی مصرف سیگار در حضور کودکان نیز می‌تواند تکرش آن‌ها را نسبت به دخائیات تغییر دهد و احتمال گرایش به مصرف را در سال‌های بعد افزایش دهد. به گفته این درمانگر اعتیاد، کودکان بیش از آنکه از توصیه‌های والدین تأثیر بگیرند، از رفتار آن‌ها الگو می‌گیرند.» صادقی همچنین درباره قرار گرفتن کودکان در معرض دود مواد گفت: «کودکانی که به‌طور غیرمستقیم دود سیگار یا مواد را استنشاق می‌کنند، در اصطلاح «مصرف‌کننده غیرفعال» هستند و در معرض عوارض جسمی ناشی از این دود قرار می‌گیرند. هرچند قرار گرفتن در معرض دود به‌نهایی به معنای اعتیاد نیست، اما می‌تواند سلامت کودک را با خطرات متعددی روبه‌رو کند. از سوی دیگر اگر کودک یا نوجوان مصرف مستقیم مواد را تجربه کند، احتمال وابستگی در سنین پایین بسیار زیاد خواهد بود و این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز بروز اختلالات شخصیتی، رفتارهای پرخطر، گرایش، مشکلات رفتاری و اختلالات روان‌پزشکی در سال‌های بعد شود.»

۴ تبلیغ آسان در شبکه‌های اجتماعی

او همچنین نسبت به تبلیغ مواد و فرآورده‌های با اصطلاح انرژی‌زا و مواد محرک و شیمخدر در شبکه‌های اجتماعی هشدار داد و گفت: «متأسفانه برخی بلاگرها و حتی افرادی که خود را پزشک یا متخصص معرفی می‌کنند، بدون پشتوانه علمی اقدام به تبلیغ انواع محصولات ماننش قارچ‌های با اصطلاح انرژی‌زا، کمپسول‌های افزایش تمرکز و سایر فرآورده‌هایی می‌کنند که ادعا می‌شود توان ذهنی و جسمی افراد را افزایش می‌دهد. این در حالی است که بسیاری از این ادعاها نه بنیای علمی دارند و نه مجوز قانونی و می‌توانند مصرف‌کنندگان، به‌ویژه نوجوانان و جوانان، را به سمت استفاده از مواد محرک سوق دهند.» عضو انون درمانگران اعتیاد با تأکید بر اینکه فضای مجازی به یکی از مهم‌ترین مسیرهای ترویج الگوهای نادرست مصرف مواد تبدیل شده است، اظهار کرد: «دسترسی آسان کودکان و نوجوانان به محتوای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه بخش اکسپلور، ضرورت نظارت بر این فضا را دوچندان کرده است، لازم است نهادهای مسئول، به‌ویژه پلیس فتا، با رصد مستمر این محتواها، از تبلیغ و فروش محصولات فاقد مجوز و ترویج مصرف مواد جلوگیری کنند و با افرادی که با انگیزه‌های مالی سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند، برخورد قانونی داشته باشند.» صادقی با اشاره به تغییر الگوی مصرف مواد در سال‌های اخیر گفت: «برخلاف گذشته که مواد سنتی مانند تریاک و هروئین سهم بیشتری در الگوی اعتیاد داشتند، امروز گرایش به سمت مواد محرک و محصولات مانند ناس افزایش یافته است. به همین دلیل، آگاه‌سازی خانواده‌ها، آموزش کودکان و نوجوانان، افزایش سواد رسانه‌ای و نظارت مؤثر بر فضای مجازی، بیش از هر زمان دیگری برای پیشگیری از گسترش مصرف این مواد ضروری است.»

ا یادداشت ا

سالگرد صدور فرمان مشروطیت



ا احسان امینایی ا

ا پژوهشگرا

۱۴ مرداد، مصادف با صدوبیستمین سالگرد اولین تأثیرگذارترین حرکت دموکراسی‌خواهانه ملت ایران، یعنی جنبش مشروطه است. دلایل این تحول اجتماعی، همانند اغلب رویدادهای مشابه، تک‌عاملی نبود، بلکه ترکیبی از حوادث سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و تاریخی باعث روی دادن آن در اواخر دوران قاجار شد. از شکست‌ها و تحقیرهای تاریخی جنگ با روسیه تزاری و در پی آن عهدنامه‌های گلستان و ترکمانچای (واگذاری بیش از ۲۰ شهر و منطقه قفقاز به روس‌ها) تا ورود تدریجی مدرنیته و آثار آن در عصر ناصری، استبداد سیاسی و قدرت مطلقه شاهان، بحران‌های اقتصادی، نفوذ زیاد و امتیازات فراوان به روس و انگلیس، فساد حاکمیت و بی‌عدالتی گسترده، در کنار افزایش آگاهی عمومی و تحولات جهانی، همه و همه دست‌به‌دست هم داد که ایرانیان شرایط موجود را نتواندند در خواستار اصلاحاتی در قالب نهضت مشروطه‌خواهی شوند. (نگارنده این گفتار از به‌کار بردن واژه «انقلاب» برای مشروطه صرف‌نظر می‌کند؛ زیرا انقلاب به‌معنواً ویرانگر و مخرب هستند و با آنچه میراث مشروطه و آرمان‌های پیروانش بوده، هست و خواهد بود، در تعارض است.)

اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به مشروطه ببندیم، باید شروع آن را در تلاش‌های اصلاحی عباس‌میرزا، در اعزام دانشجویان به اروپا و ورود علوم و فنون جدید بدانیم. این روند بعدها با گسترش ارتباط با اروپا، انتشار روزنامه و رشد روشنفکری و مطالبه‌گری مردم قوت گرفت و با جنبش تنبکاو و لغو امتیاز آن، اولین پیروزی را نصیب تحول‌خواهان کرد. حکومت ۱۰ ساله مظفرالدین‌شاه که با طبع با استبداد و نفوذ کمتری همراه بود، به مشروطه‌خواهان اجازه نفوذ بیشتر داد. نهایتاً این حرکت با مجاهدت‌ها و دلاوری‌های افرادی چون ستارخان، میرزا ملکم‌خان، طباطبایی و ... شاه را وادار به صدور فرمان مشروطه در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ کرد و بدین‌طریق دوران جدید و متفاوتی را برای ایران رقم زد. علی‌رغم اینکه این دوران در سالیان بعد به استبداد رضائی منتهی شد، باید اذعان داشت که نتایج آن برای ایران بسیار درخشان بود و اهداف آن نیز تا به امروز همچنان مورد درخواست ملت است. روشنفکران، متفکران و متأثران این عصر در تاریخ معاصر ایران (اگر نگوئیم بی‌مانند، کم‌تیریزند). افرادی همچون سیدحسین تقی‌زاده، حسن پیرنیا، دهخدا، میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، میرزا آقاخان کرمانی و بعدها ملک‌الشعرا بهار، کسروی، فروغی، محمد مصدق و قوام‌السلطنه، بخشی از این دوران درخشان‌اند.

اهمیت هر حرکت تاریخی با پادمان‌ها، المان‌ها و تولیدات فرهنگی آن شاخته می‌شود. در این دوران بود که روند روزنامه‌نگاری سرعت گرفت و به توجّه به تاریخ ایران اهمیت یافت. در این دوره سیاستمداران برجسته‌ای همچون فروغی و قوام رشد کردند، بسیاری از القاب و عناوین حذف شد، نثر ساده امروزی شکل گرفت و قدرت شاهان، شاهزادگان و وزیران محدود شد و آنان را در برابر خواسته مردم (هرچند به صورت محدود) پاسخگو کرد. همچنین با گسترش دامنه نفوذ مطبوعات، مفهوم شهروندی ایجاد شد. انسجام و وحدت ملی آن دوران نیز با وجود وسایل ارتباطی اندک، درخشان و ستودنی بود. با خیزش افراد در شهرهای مختلف، به‌یکباره جوش و خروش گسترده در سراسر ایران ایجاد می‌شد.

به‌جرات این حرکت را می‌توان اعلام موجودیت دوباره ملتی قدیمی و سخت‌جان دانست که توانسته است از تندباد حوادث، مصائب و یورش‌های سهمگین نه‌تنها زنده بیرون بیاید، بلکه از آنها فرصت بسازد. شایان ذکر است با وجود امپراتوری عثمانی در میان ایران و اروپا، نسیم تجدد می‌بایست دیرتر به ایران برسد، اما نهضت آزادی‌خواهی ایران با انقلاب مشروطه دوم عثمانی هم‌زمان شد و بر آن تأثیر گذاشت و روشنفکران هند و مصر نیز از آن الهام گرفتند. همچنین شایان ذکر است بسیاری از صاحب‌نظران، اصلاحات دوران رضاشاه را نیز تداوم مطالبات جنبش مشروطه، اما به شکلی تند و غیردموکراتیک، و حتی دلیل روی دادن انقلاب ۵۷ را زیر پا گذاشتن قانون مشروطه در سالیان گذشته می‌دانند.

به نظر می‌رسد خواسته‌ها و دغدغه‌های مشروطه، یعنی حاکمیت قانون، گسترش آزادی بیان و ایجاد عدالت اجتماعی، همچنان به قوت خود باقی است. بنابراین آرمان‌های مشروطه، خون‌های ریخته‌شده و زنج‌های برده‌شده نباید فراموش شود. اولین جنبش دموکراسی‌خواهی ایران و آسیا (که می‌تواند نقش راه هر ملتی باشد) ارزش وقت، هزینه و توجه بیشتری دارد.

یک سال پس از شایعه ذبح گوزن زرد ایرانی در مراسم اربعین، «پیام ما» دلایل انتشار این شایعه و برنامه‌های حفاظتی این گونه را بررسی می‌کند

«روشنک‌وه» و «باغ شادی» میزبانان جدید گوزن زرد ایرانی

ویژگی‌های محتاط، مخفی‌کار و عمدتاً شب‌فعال بودن گوزن زرد ایرانی، استفاده از ابزارهای نوین برای پایش آن را ضروری می‌کند



فوتی



فاطمه با باخانی ا

اروزنامه نگارا

۴ سال گذشته ویدئویی منتشر شد که ادعا می‌کرد از گوزن زرد ایرانی در مراسم اربعین استفاده شده است. همان زمان شما یادداشتی نوشتید و با شش دلیل نادرستی چنین ادعایی را توضیح دادید. به نظرتان چرا چنین شایعه‌ای تا این اندازه فراگیر شد؟

مهم‌ترین دلیل این مسئله به کمبود اطلاع‌رسانی درباره گونه‌های حیات‌وحش ایران برمی‌گردد. ما درباره برخی گونه‌ها، مانند یوزپلنگ آسیایی، در دو دهه اخیر بیشتر محتوا تولید و منتشر کرده‌ایم. در نتیجه، حساسیت عمومی نسبت به این گونه افزایش یافته است. اما بسیاری از گونه‌های دیگر از جمله گوزن زرد ایرانی، هنوز برای عموم مردم ناشناخته هستند. بخش بزرگی از جامعه اطلاعات

ا گفت‌وگو |

«پدرام رفیعی»، زمین‌شناس، از پیامدهای برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی می‌گوید

فرونشست؛ مرگ بی‌صدای آبخوان‌ها

تراکم لایه‌های زیرزمینی در بسیاری از دشت‌های ایران برگشت‌ناپذیر شده

و هر سال تأخیر در مهار برداشت آب، بخشی از ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها

را برای همیشه از بین می‌برد

ا پیام ما | فرونشست در بسیاری از دشت‌های ایران از آستانه‌های بحرانی عبور کرده است؛ پدیده‌ای که به گفته پدرام رفیعی، دکترای تخصصی زمین‌شناسی و مدرس دانشگاه، بیش از هر چیز نتیجه برداشت بی‌رویه از آبخوان‌ها و مدیریت ناپایدار منابع آب است. او هشدار می‌دهد تراکم رسوبات ریزدانه و از دست رفتن ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها در بسیاری از مناطق برگشت‌ناپذیر شده و هر سال تأخیر در کنترل برداشت، بخشی از منابع آب زیرزمینی کشور را به‌صورت دائمی از بین می‌برد.

۴ از نظر زمین‌شناسی، فرونشست دقیقاً چیست و چرا در برخی مناطق ایران به مرحله بحرانی رسیده‌است؟

از منظر زمین‌شناسی، فرونشست زمین (Land Subsidence) به کاهش تدریجی یا ناگهانی تراز سطح زمین در اثر تراکم لایه‌های زیرسطحی اطلاق می‌شود. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که تعادل تنش و فشار در محیط متخلخل زیرزمین برهم بخورد و فضای خالی میان ذرات خاک یا سنگ کاهش یابد. در دشت‌های آبرفتی ایران، مکانیسم غالب فرونشست، تراکم تحکیمی (Consolidation) رسوبات ریزدانه در پی افت سطح آب‌های زیرزمینی است. با کاهش فشار آب منفذی، تنش مؤثر بر اسکلت خاک افزایش یافته و در نتیجه، تخلخل و ضخامت لایه‌های آبرفتی کاهش می‌یابد؛ فرآیندی که در بسیاری از موارد برگشت‌ناپذیر است.

بحرانی شدن این پدیده در ایران ناشی از برهم خوردن تعادل هیدروژئولوژیکی آبخوان‌ها بر اثر برداشت مستمر و بیش از ظرفیت تجدیدپذیر منابع آب زیرزمینی، همراه با کاهش تغذیه طبیعی آبخوان‌ها در نتیجه خشکسالی‌های متوالی و تغییرات اقلیمی است. از سوی دیگر، استقرار بخش قابل‌توجهی از جمعیت، فعالیت‌های کشاورزی و زیرساخت‌های حیاتی بر روی دشت‌های آبرفتی، پیامدهای فرونشست را تشدید کرده‌است.

بنابراین، فرونشست در ایران صرفاً یک پدیده ژئومورفولوژیکی نیست، بلکه شاخصی از تخریب عملکرد آبخوان‌ها و ناپایداری مدیریت منابع آب محسوب می‌شود که آثار آن بر امنیت آبی، زیرساخت‌های عمرانی و توسعه پایدار کاملاً مشهود است.

۴ چقدر در فرونشست ایران نتیجه عوامل طبیعی است و چه میزان به برداشت بی‌رویه آب‌های زیرزمینی، کشاورزی و توسعه شهری برمی‌گردد؟ آیا می‌توان گفت این بحران عمدتاً ساخته دست‌انسان است؟

اگرچه فرونشست می‌تواند در اثر فرآیندهای طبیعی مانند

دقیقی درباره ویژگی‌ها، زیستگاه‌ها و وضعیت حفاظتی آن ندارد. همین موضوع باعث می‌شود که انتشار یک خبر یا ویدئوی نادرست به‌سرعت مورد توجه قرار بگیرد.

۴ در حال حاضر گوزن‌های زرد ایرانی در چه سایت‌هایی نگهداری می‌شوند؟

سازمان حفاظت محیط‌زیست چند مرکز برای تکثیر و نگهداری از این گونه دارد. از جمله این مناطق می‌توان به جزیره اشک در دریاچه ارومیه و رشکان در آذربایجان، غری، فندقلو در اردبیل، مانشت و قلازنگ در ایلام، میان‌کتل و ارسنجان در فارس، دشت ناز در مازندران و باغ شادی در یزد اشاره کرد. علاوه بر این، دو مجموعه

«استفاده از گوزن زرد ایرانی، گوزن کمیاب و شکارممنوع ساکن جنگل‌های دز، در روستای بیت علویه برای مراسم اربعین!! سازمان محیط‌زیست خوزستان در خواب» این زیرنویس فیلمی بود که همین سال قبل در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد. بسیاری از کاربران آن را بازنشر دادند و درباره این گونه نوشتند. همان روز، کارشناسان حیات‌وحش نوشتند و گفتند که نه آن گوزن، گوزن زرد ایرانی است و نه آن مراسم در ایران برگزار شده است. یک سال از آن اتفاق می‌گذرد و پروژه‌ای برای معرفی گوزن زرد ایرانی در دو استان «فارس» و «یزد» در حال انجام است. دراین باره، گفت‌وگویی با «فرشاد اسکندری»، مدیر این دو پروژه و مدیرعامل مؤسسه «حافظان حیات‌وحش شیردال»، داشتیم و از او دراین باره پرسیدیم.

خصوصی نیز با نظارت سازمان حفاظت محیط‌زیست فعالیت می‌کنند. این مراکز براساس تفاهم‌نامه با سازمان، وظیفه تکثیر و نگهداری از گوزن‌های زرد ایرانی را بر عهده دارند.

۴ آیا امکان بهره‌برداری اقتصادی از این گونه در مراکز خصوصی وجود دارد؟

گوزن زرد ایرانی گونه‌ای در معرض خطر انقراض است و به همین دلیل، بهره‌برداری از آن با هدف تولید گوشت یا استفاده‌های مشابه امکان‌پذیر نیست. البته در برخی کشورها از صدور مجوزهای شکار تروفه برای تأمین هزینه‌های حفاظت استفاده می‌شود، اما چنین موضوعی

تهران،شهریار ورامین، مهیار اصفهان، رفسنجان، مشهد، نیشابور و دشت‌های جنوب فارس، در برخی نقاط نرخ فرونشستی به‌متراب بالاتر از آستانه‌های بحرانی جهانی را تجربه می‌کنند.

در صورت تداوم روند کنونی برداشت از آب‌های زیرزمینی، انتظار می‌رود طی ۵ تا ۱۰ سال آینده، علاوه بر افزایش نرخ فرونشست، شاهد کاهش دائمی ظرفیت ذخیره آبخوان‌ها، گسترش شکاف‌های زمین، آسیب به زیرساخت‌های حیاتی، تخریب شبکه‌های حمل‌ونقل و تأسیسات انتقال آب و انرژی و افزایش مخاطرات برای مناطق شهری و کشاورزی باشیم. از منظر زمین‌شناسی، مهم‌ترین پیامد این روند، تراکم غیرقابل‌بازگشت رسوبات ریزدانه و از دست رفتن بخشی از ظرفیت آبخوان‌هاست؛ پدیده‌ای که حتی با ترمیم منابع آب نیز قابل جبران نخواهد بود.

۴ فرونشست چه تأثیری بر زیرساخت‌های کشور دارد؟

فرونشست از پرهزینه‌ترین مخاطرات زمین‌شناسی است، زیرا به‌صورت تدریجی اما مستمر، پایداری زیرساخت‌های حیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نشست نامتقارن زمین موجب ایجاد ترک، تغییرشکل و گسیختگی در راه‌آهن، جاده‌ها، خطوط مترو، باند فرودگاه‌ها، ساختمان‌ها و خطوط انتقال آب، فاضلاب، نفت و گاز و شبکه‌های برق می‌شود. این تغییرشکل‌ها علاوه بر افزایش هزینه‌های نگهداری، می‌توانند ایمنی و عملکرد این زیرساخت‌ها را نیز با مخاطره مواجه‌کنند.

در حوزه میراث فرهنگی نیز، بناهای تاریخی که عمدتاً بر روی دشت‌های آبرفتی احداث شده‌اند، در برابر نشست‌های غیرکنواخت بسیار آسیب‌پذیر هستند و ایجاد ترک‌های سازه‌ای یا تغییرشکل در پی و شالوده آن‌ها می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

نکته مهم این است که در بسیاری از موارد، خسارت‌های سازه‌ای ممکن است قابل ترمیم باشند، اما خود فرونشست و تراکم آبخوان‌ها عموماً برگشت‌ناپذیر است. با فشرده شدن رسوبات ریزدانه، بخشی از ظرفیت ذخیره‌سازی آب زیرزمینی برای همیشه از بین می‌رود. بنابراین، مدیریت فرونشست باید بر پیشگیری و کنترل عوامل ایجادکننده متمرکز باشد، زیرا پس از وقوع، امکان بازگرداندن شرایط زمین به وضعیت اولیه عملاً وجود ندارد.

۴ اگر امروز برداشت از سفره‌های آب زیرزمینی متوقف یا به‌شدت محدود شود، آیا امکان توقف یا بازگشت فرونشست وجود دارد یا این پدیده در بسیاری از مناطق برگشت‌ناپذیر شده‌است؟

توقف یا کاهش چشمگیر برداشت از آب‌های زیرزمینی می‌تواند سرعت فرونشست را کاهش داده یا در برخی مناطق متوقف کند، اما به معنای بازگشت زمین به وضعیت اولیه نیست. از دیدگاه مکانیک خاک، زمانی که لایه‌های ریزدانه

درباره گوزن زرد ایرانی فعلاً مطرح نیست.

۴ شما پروژه‌هایی را برای بازگرداندن این گونه به طبیعت اجرا می‌کنید. این طرح‌ها شامل چه زیستگاه‌هایی و در کدام استان‌ها می‌شوند؟

وقتی جمعیت یک گونه در مراکز تکثیر افزایش پیدا می‌کند، دو راه داریم؛ یا باید مراکز جدیدی ایجاد کنیم یا اینکه برای بازگرداندن گونه به زیستگاه‌های طبیعی آن برنامه‌ریزی کنیم. در سال‌های گذشته، پروژه معرفی مجدد گوزن زرد ایرانی در پارک ملی دز آغاز شد. این منطقه اهمیت زیادی دارد. زیرا آخرین جمعیت طبیعی این گونه در همین محدوده زندگی می‌کرد. از سال ۱۳۹۸ تعدادی گوزن در این منطقه رهاسازی شدند و تلاش کردیم از همان ابتدا جوامع محلی را نیز در روند حفاظت مشارکت دهیم. در سال جاری هم همین رویکرد را در قالب دو پروژه در منطقه شکارممنوع «روشنکوه» در استان فارس و منطقه حفاظت‌شده «باغ شادی» در شهرستان خاتم استان یزد دنبال می‌کنیم. هدف ما این است که با جلب مشارکت مردم محلی بتوانیم زیستگاه‌های این گونه را گسترش دهیم.

۴ این معرفی در منطقه‌ای که زیستگاه تاریخی گونه نیست، مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

نه، احتمالاً به این خاطر می‌گوییم احتمالاً، زیرا قطعیتی وجود ندارد. ولی ما زیستگاه را با مطالعات ارزیابی و مطلوبیت مناسبی برای گونه گوزن زرد ایرانی برآورد کرده‌ایم.

۴ آیا پیش از تجربه معرفی مجدد گوزن زرد در دز، چنین تجربه‌ای در ایران وجود داشته است؟

بله. در دهه ۱۳۶۰ برنامه‌هایی برای رهاسازی گوزن زرد ایرانی در مناطقی مانند کرمانشاه، جزیره کیش و پارک ملی کرخه اجرا شد، اما اطلاعات دقیقی درباره سرنوشت بسیاری از این گوزن‌ها در دست نیست. به همین دلیل، امروز تأکید زیادی بر پایش علمی و بلندمدت این پروژه‌ها وجود دارد. پایش، بخش جدایی‌ناپذیر هر پروژه معرفی مجدد گونه‌هاست. گوزن زرد ایرانی حیوانی بسیار محتاط، مخفی‌کار و عمدتاً شب‌فعال است. به همین دلیل، مشاهده مستقیم آن کار ساده‌ای نیست و استفاده از ابزارهای نوین برای پایش آن ضروری است. گردنبندهای ماهواره‌ای یکی از مهم‌ترین این ابزارها هستند. این تجهیزات به ما کمک می‌کنند تا مسیر حرکت، محدوده پراکنش، قلمرو، مسافت طی‌شده و الگوهای رفتاری حیوان را بررسی کنیم. چنین اطلاعاتی نقش بسیار مهمی در مدیریت و حفاظت از گونه دارد.

۴ شما از پایش علمی صحبت کردید، ولی یکی از موضوعاتی که درباره پروژه در مطرح شده، به چالش استفاده از گردنبندهای ماهواره‌ای برای پایش گوزن‌ها برمی‌گردد. شما در پایش زیستگاه دز توانستید از این فناوری استفاده کنید؟

ما این تجهیزات را تهیه کرده‌ایم، اما هنوز موفق به دریافت مجوزهای لازم برای نصب آن‌ها نشده‌ایم. این موضوع یکی از چالش‌های جدی ماست. البته نمونه‌های داخلی نیز وجود دارند که با استفاده از شبکه تلفن همراه کار می‌کنند، اما کارایی آن‌ها به پوشش مخابراتی منطقه وابسته است و در بسیاری از زیستگاه‌ها نمی‌توانند اطلاعات دقیقی ارائه دهند. اگر واقعاً قصد داریم از گونه‌های ارزشمند کشور محافظت کنیم، باید بتوانیم از همه ظرفیت‌ها استفاده کنیم. این موضوع شامل دانش تخصصی و فناوری‌های نوین تا مشارکت مردم محلی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌شود. حفاظت از حیات‌وحش یک مسئولیت جمعی است و تنها در سایه همکاری همه نهاده‌ا و گروه‌ها می‌توانیم به نتایج پایدار دست پیدا کنیم.

ماند رس و سیلت تحت اثر افزایش تنش مؤثر دچار تحکیم (Consolidation) می‌شوند، بخش قابل‌توجهی از تراکم ایجادشده ماهیتی غیرلاستیک و برگشت‌ناپذیر دارد. در نتیجه، حتی با احیای سطح آب زیرزمینی، ساختار متخلخل آبخوان و ظرفیت اولیه ذخیره‌سازی آن به‌طور کامل بازیابی نخواهد شد.

البته اگر مدیریت آبخوان‌ها پیش از عبور از آستانه‌های بحرانی انجام شود، می‌توان از ادامه تراکم و گسترش فرونشست جلوگیری کرد. این امر مستلزم اجرای هم‌زمان برنامه‌های تعادل بخشی آبخوان‌ها، تغذیه مصنوعی، کنترل برداشت، افزایش بهره‌وری مصرف آب و اصلاح الگوی کشت است.

بنابراین، رویکرد علمی در مدیریت فرونشست، نه بازگرداندن زمین به شرایط گذشته، بلکه پیشگیری از تشدید پدیده و حفظ ظرفیت باقی‌مانده آبخوان‌ها است؛ زیرا در بسیاری از دشت‌های ایران، بخش عمده تغییرات ژئوتکنیکی ایجادشده، ماهیتی دائمی و غیرقابل‌جبران دارد.

۴ به نظر شما بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذاری در مدیریت آب ایران که ما را به این نقطه رسانده چیست و اگر قرار باشد فقط سه اقدام فوری برای مهار فرونشست انجام شود، آن اقدامات چه خواهند بود؟

به اعتقاد بنده، بزرگ‌ترین خطای سیاست‌گذاری در مدیریت منابع آب ایران، عدم انطباق میزان برداشت با ظرفیت تجدیدپذیر آبخوان‌ها و نگاه عرضه‌محور به تأمین آب بوده است. طی چند دهه گذشته، توسعه کشاورزی، صنعت و شهرنشینی بدون توجه کافی به توان اکولوژیک حوضه‌های آبریز و بیابان آب زیرزمینی انجام شده و این مسئله به برداشت زمزم از ذخایر استراتژیک آبخوان‌ها انجامیده‌است. فرونشست، در واقع، پیامد مستقیم این ناترازی و نشانه تخریب تدریجی سامانه‌های هیدروژئولوژیکی کشور است.

اگر قرار باشد تنها سه اقدام فوری برای مهار فرونشست انجام شود، نخست کنترل مؤثر برداشت از آبخوان‌ها از طریق انسداد چاه‌های غیرمجازاز مدیریت برداشت چاه‌های مجاز و برقراری تعادل بین تغذیه و تخلیه آبخوان‌ها ضروری است. دوم، اصلاح الگوی مصرف آب، به‌ویژه در بخش کشاورزی از طریق افزایش بهره‌وری، توسعه آبیاری نوین و جایگزینی محصولات کم‌آبر در مناطق بحرانی است. سوم، استقرار نظام پایش و مدیریت یکپارچه فرونشست با استفاده از داده‌های سنسج از دور، شبکه‌های ژئودزی و مطالعات هیدروژئولوژیکی است تا تصمیم‌گیری‌ها بر مبنای داده‌های دقیق و به‌روز انجام شود.

مهار فرونشست نیازمند تغییر رویکرد از مدیریت بحران به مدیریت پیشگیرانه و مبتنی بر ظرفیت اکولوژیک آبخوان‌ها است؛ زیرا هر سال تأخیر بخشی از ظرفیت ذخیره آب زیرزمینی را به‌صورت دائمی از بین می‌برد.

ا یادداشت |

«مجوز ارزیابی» با «مجوز محیط‌زیستی» یکی نیست



ارضا رضانی ا

ادانش‌آموخته و کنشگر محیط‌زیست ا



در سال‌های اخیر، یکی از چالش‌های مهم در اجرای طرح‌های عمرانی، خلط میان مفاهیم تخصصی و حقوقی حوزه محیط‌زیست است. این مقوله گاهی باعث می‌شود یک طرح بدون طی کامل فرایندهای قانونی، واجد مجوز تلقی شود. پرونده سد سجارود نمونه‌ای است که نشان می‌دهد تفکیک دقیق میان «مجوز ارزیابی اثرات محیط‌زیستی» و «مجوز محیط‌زیستی» تا چه اندازه اهمیت دارد.

بر اساس ضوابط ارزیابی اثرات محیط‌زیستی، ممکن است یک مشاور دارای صلاحیت لازم برای انجام مطالعات ارزیابی باشد. در چنین شرایطی، این مشاور می‌تواند با کارفرما قرارداد منعقد کند و مطالعه اثرات محیط‌زیستی یک طرح را انجام دهد. اما این مجوز به هیچ‌عنوان به معنای تأیید محیط‌زیستی طرح، موافقت با اجرای پروژه یا صدور مجوز نهایی محیط‌زیستی نیست. به بیان ساده، مجوز ارزیابی فقط اجازه انجام یک فرایند کارشناسی است، نه تأیید نتیجه آن فرایند.

در همین چارچوب، مباحث اخیر درباره سد سجارود قابل بررسی است. این طرح با انتقادهای متعددی از منظر محیط‌زیستی، اجتماعی و اقتصادی روبرو بوده است و حتی در صورت برخورداری از مجوز محیط‌زیستی نیز، ضرورت شفاف‌سازی درباره نحوه تصمیم‌گیری، بررسی گزینه‌های جایگزین و ارزیابی پیامدهای آن همچنان وجود داشت.

باین‌حال، بررسی پاسخ رسمی ارائه‌شده درباره این طرح نشان می‌دهد که آنچه در سال ۱۳۹۹ صادر شده، مجوز ارزیابی اثرات محیط‌زیستی است، نه مجوز محیط‌زیستی.

این تفاوت از نظر حقوقی بسیار مهم است. صدور مجوز ارزیابی به این معناست که فرایند انجام مطالعه امکان‌پذیر شده و مشاور صلاحیت بررسی اثرات احتمالی پروژه را دارد؛ اما تا زمانی که گزارش ارزیابی تهیه، بررسی و تأیید نهایی نشود و سایر الزامات قانونی نیز تحقق پیدا نکند، نمی‌توان آن را به‌منزله صدور مجوز محیط‌زیستی برای اجرای پروژه دانست.

بر این اساس، اگر سد سجارود فاقد مجوز نهایی محیط‌زیستی باشد، آغاز عملیات اجرایی آن پیش از طی کامل فرایند قانونی، می‌تواند مغایر با الزامات محیط‌زیستی کشور باشد و نیازمند بررسی حقوقی دقیق است.

البته همچنان یک ابهام مهم باقی مانده است که باید از سوی مراجع مسئول شفاف شود. منظور از صدور مجوز ارزیابی اثرات محیط‌زیستی برای این طرح در سال ۱۳۹۹ دقیقاً چه بوده است؟ آیا صرفاً صلاحیت مشاور برای انجام مطالعه ارزیابی تأیید شده یا اینکه گزارش ارزیابی توسط مشاور تهیه، توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست بررسی و تأیید شده و تنها یکی از مراحل فنی فرایند طی شده‌است؟

پاسخ روشن به این پرسش برای افکار عمومی و ذی‌نفعان اهمیت زیادی دارد، زیرا تفاوت میان این دو وضعیت، تفاوت میان آغاز یک مطالعه کارشناسی و دریافت مجوز قانونی برای اجرای یک پروژه است. از سوی دیگر، حتی اگر فرض شود گزارش ارزیابی اثرات محیط‌زیستی این طرح در سال ۱۳۹۹ تهیه و تأیید شده باشد، باید موضوع گذشت چند سال از انجام آن مطالعه، تغییر شرایط محیطی، اقتصادی و اجتماعی منطقه می‌تواند ضرورت بازنگری و انجام ارزیابی مجدد را مطرح کند. سدها از جمله طرح‌هایی هستند که آثار آن‌ها تنها به زمان ساخت محدود نمی‌شود و می‌توانند دهه‌ها بر منابع آب، اکوسیستم‌ها، جوامع محلی و تنوع زیستی اثر بگذارند. بنابراین، شفافیت در فرایند ارزیابی و صدور مجوز نه یک تشریفات اداری، بلکه بخشی از تضمین توسعه پایدار و حفاظت از منافع عمومی است.

مرگ در مسیر بی‌احتیاطی

نادیده‌گرفتن هشدارهای امدادی، ضعف آموزش و بازدارنده‌نبودن قوانین، دامنه قربانیان جاده‌ها و طبیعت را گسترده‌تر کرده است



هر سال هزاران نفر در جاده‌ها و ارتفاعات ایران جان خود را از دست می‌دهند و شمار بیشتری با معلولیت‌های مادام‌العمر به زندگی ادامه می‌دهند؛ حوادثی که بخش بزرگی از آنها با رعایت قوانین، توجه به هشدارهای هوشناسی و امدادی و آموزش اصول ایمنی قابل‌پیشگیری است. بایان‌حال، نادیده‌گرفتن هشدارها، ضعف فرهنگ ایمنی، وابستگی بدون دانش به تجهیزات و تکنولوژی، بازدارنده‌نبودن قوانین و کمبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی، همچنان دامنه قربانیان جاده‌ها و طبیعت را گسترده‌تر می‌کند. پشت آمار کشته‌شدگان و مصدومان، انسان‌هایی با زندگی، خانواده و رؤیاهای ناتمام قرار دارند؛ قربانیانی که نباید تنها به یک عدد در گزارش‌های رسمی تبدیل شوند.

قبل از سال نو، دقیقاً وقتی هشدارهای هوشناسی درباره بارش و خطر سیل و بهمن اعلام می‌شود، باز هم بی‌بینیم‌که بسیاری از افراد، حتی برخی که ظاهرش حرفه‌ای به نظر می‌رسند، هشدارها را نادیده گرفته و کمپ می‌زنند. این رفتار نه‌تنها جان خودشان را به خطر می‌اندازد، بلکه امدادگران را نیز در شرایط سخت و پرخطر قرار می‌دهد.

سخت و پرخطر قرار می‌دهد، بلکه امدادگران را نیز در شرایط سخت و پرخطر قرار می‌دهد. هلال‌احمر و دستگاه‌های امدادی بارها از مردم خواسته‌اند در شرایط نامساعد جوی از سفرهای غیرضروری، توقف در حاشیه رودخانه‌ها و کمپ‌زدن در مناطق سیل‌خیز خودداری کنند. بایان‌حال، تکرار حوادث نشان می‌دهد که پیش‌مهمی از این هشدارها یا شنیده نمی‌شود یا جدی گرفته نمی‌شود. به گفته نادی، این بی‌توجهی تنها ناشی از ناآگاهی نیست و ریشه‌هایی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نیز دارد: «در ذهن جمعی ما، نوعی مقاومت در برابر قانون و هشدار وجود دارد. گاهی این مقاومت به شکل لجاجت یا حتی نوعی خشونت پنهان بروز می‌کند؛ انگار فردی که در جای دیگر نتوانسته خشم خود را تخلیه کند، با به خطر انداختن جان خود، این خشم را به نمایش می‌گذارد».

بی‌اعتدادی عمومی نیز در این میان نقش دارد. اگر هشدارها در گذشته با اطلاعات نادرست، اغراق یا نبود صداقت همراه شده باشند، بخشی از جامعه ممکن است هشدارهای واقعی را نیز جدی نگیرد. نادی این وضعیت را یکی از چالش‌های اصلی می‌داند و می‌گوید: «بخشی از این رفتار به‌خاطر بی‌اعتمادی است؛ چون در برخی موارد صداقت نبوده، مردم به هشدارها اعتماد نمی‌کنند. این یک چالش بزرگ است که نیاز به بازسازی اعتماد عمومی دارد».

تجهیزات بیشتر، دانش کمتر
دسترسی به تجهیزات کوهنوردی و ایمنی در مقایسه با دو دهه گذشته افزایش یافته است. کلاه ایمنی

نادی با اشاره به این وضعیت می‌گوید: «در روزهای

حاشیه |

توضیحات قائم‌مقام وزیر میراث فرهنگی درباره انتقال اموال هنرهای سنتی به کاخ سعدآباد

قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی درباره انتقال قطعی اموال گروه هنرهای سنتی از ارگ آزادی به کاخ سعدآباد که با نگرانی‌هایی همراه شده است، توضیحاتی ارائه کرد و تأکید کرد: «هیچ گونه انتقالی خارج از فرآیندهای قانونی امکان‌پذیر نیست. این اقدام نه به معنای تغییر ماهیت یا مالکیت آثار، بلکه صرفاً انتقال محل نگهداری آنها به فضایی ایمن‌تر و استانداردتر است.»
به‌دنبال انتشار گزارشی درباره صدور مجوز وزارت میراث فرهنگی برای انتقال قطعی اموال گروه هنرهای سنتی از ارگ آزادی (ساختمان کنونی این وزارتخانه) به کاخ سعدآباد، «علی دارابی»، قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی، در تشریح ایجاد کارشناسی فرآیند ساماندهی آثار و اموال فرهنگی،تاریخی مرتبط با گروه هنرهای سنتی، اظهار کرد: «فلسفه وجودی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، حفاظت، صیانت و انتقال مستولانه میراث تمدنی ایران به نسل‌های آینده است و تمامی تصمیمات مرتبط با

اموال فرهنگی،تاریخی نیز صرفاً بر همین مبنا و در چارچوب قوانین موضوعه کشور، ضوابط تخصصی موزه‌داری و ملاحظات علمی اتخاذ می‌شود.»
او با اشاره به بررسی‌های تخصصی انجام‌شده درباره وضعیت نگهداری بخشی از آثار گروه هنرهای سنتی افزود: «ارزیابی‌های کارشناسی نشان داد محل فعلی نگهداری این آثار، واجد تمامی الزامات و استانداردهای مورد نیاز برای نگهداری بلندمدت گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی و هنری نیست. از این رو، با هدف ارتقای ضریب حفاظت، کاهش مخاطرات احتمالی و فراهم‌سازی شرایط مطلوب نگهداری، ساماندهی و انتقال آثار به فضایی برخوردار از زیرساخت‌های استاندارد موزه‌ای در دستور کار قرار گرفت. همچنین نهاد‌های مسئول و مراجع ذی‌ربط در حوزه حفاظت و امنیت، از سال گذشته نیز با مکاتبات رسمی و مکتوب بر ضرورت رعایت الزامات امنیتی و حفاظتی و ساماندهی شرایط نگهداری این آثار تأکید کرده بودند که این موضوع نیز در فرآیند تصمیم‌گیری مورد توجه قرار گرفته است.»

به‌روز،گفتش مناسب، پوشاک حرفه‌ای، دستگاه‌های مسیریابی وتلفن‌های هوشمند، امکاناتی هستندکه امروز به آسانی در دسترس بسیاری از علاقه‌مندان قرار دارند. اما افزایش دسترسی به تجهیزات، الزاماً به معنای افزایش ایمنی نیست.
تجهیزات پیشرفته اگر با آموزش و دانش فنی همراه نباشند، می‌توانند احساس امنیت‌کاذب ایجاد کنند. فردی که تصور می‌کند داشتن کفش، کاپشن یا دستگاه مسیریابی برای ورود به هر مسیری کافی است، ممکن است خطرات طبیعی، وضعیت آب‌وهوا و توان جسمی خود را نادیده بگیرد.
نادی می‌گوید: «نسبت به بیست سال پیش، دسترسی به بهترین تجهیزات کوهنوردی و ایمنی به‌شدت افزایش یافته است. امروز به‌راحتی می‌توان کلاه ایمنی به‌روز، کفش مناسب و کاپشن‌های حرفه‌ای تهیه کرد. اما این تجهیزات، اگر با دانش فنی همراه نباشند، نه‌تنها نجات‌بخش نیستند، بلکه می‌توانند عامل افزایش حوادث شوند.»

وابستگی به جی‌پی‌اس و دستگاه‌های مسیریابی نیز یکی دیگر از خطراتی است که در سال‌های اخیر بیشتر شده است. استفاده مداوم از این ابزارها می‌تواند توانایی جهت‌یابی طبیعی و شناخت مسیر را کاهش دهد. در صورت تمام‌شدن شارژ قطع سیگنال یا از دسترس خارج‌شدن اینترنت، فردی که آموزش کافی ندیده است، ممکن است به‌طور کامل مسیر خود را گم کند.

نادی با اشاره به تجربه شخصی خود در ایام جنگ اخیر می‌گوید: «افرادی که به جی‌پی‌اس و دستگاه‌های مسیریابی وابسته می‌شوند، کم‌کم توانایی جهت‌یابی طبیعی خود را از دست می‌دهند. در شرایطی که دستگاه شارژ نداشته باشد یا سیگنال قطع شود، این افراد کاملاً درمانده می‌شوند. من خودم در ایام جنگ اخیر وقتی اینترنت قطع بود، تجربه کردم که چقدر وابستگی به تکنولوژی می‌تواند

نگهداری آنها به فضایی ایمن‌تر و استانداردتر است تا امکان حفاظت پایدار پژوهش، مستندسازی، معرفی و نمایش شایسته‌تر این آثار ارزشمند فراهم شود.»

معاون میراث فرهنگی با اشاره به رویه‌های پذیرفته‌شده در نظام‌های حرفه‌ای موزه‌داری جهان گفت: «تجمع گنجینه‌های تخصصی در مراکزی که از استانداردهای لازم حفاظتی و موزه‌ای برخوردارند، یکی از اصول شناخته‌شده مدیریت موزه‌ها به‌شمار می‌رود و افزون بر ارتقای سطح حفاظت، امکان ساماندهی علمی، پژوهشی و تخصصی، مستندسازی دقیق و به‌یادماندنی فرهنگی از این آثار را نیز فراهم می‌آورد.»
او همچنین با اشاره به مکاتبات اداری انجام‌شده در این زمینه اظهار کرد: «مجوز صادرشده نیز ناظر بر آغاز فرآیند قانونی ساماندهی است و در متن آن تصریح شده است که هرگونه اقدام اجرایی، منوط به رعایت کامل تمامی تشریفات، ضوابط و الزامات قانونی خواهد بود؛ موضوعی که نشان‌دهنده اهتمام وزارت میراث فرهنگی به اجرای دقیق قانون و صیانت حداکثری از اموال فرهنگی کشور است.»
نگهداری تأکید کرد: «حفاظت از میراث فرهنگی، امانتی ملی و بین‌نسلی است و وزارت میراث فرهنگی با بهره‌گیری از ظرفیت کارشناسان، متخصصان و اصول حرفه‌ای موزه‌داری، از هیچ

حتی اقتصادی. اگر پدر خانواده باشد، هسته اصلی تأمین معاش از هم می‌گسلد؛ اگر مادر باشد، کانون عاطفی خانواده فرومی‌ریزد. اگر فوق‌تخصص باشد، سخن از تعطیلی یک کارخانه یا اثرات دومینویی است که گریبان‌گیر جامعه می‌شود.»
بایان‌حال، هنگامی که هشدارهای ایمنی مطرح می‌شود، همچنان عبارت‌هایی مانند «مرگ حق است» شنیده می‌شود. این نگاه می‌تواند به عادی‌سازی رفتارهای پرخطر و نادیده‌گرفتن مسئولیت فردی منجر شود. به اعتقاد نادی، مرگ حتمی‌بودن پایان زندگی، توجیهی برای بی‌توجهی به خطر نیست: «از دید فلسفی و عرفانی، مرگ بی‌معنا و خودکشی مذموم شمرده شده است. این یعنی ما باید تا می‌توانیم از زندگی پاسداری کنیم و پیشگیری را جدی بگیریم.»

پیشگیری ممکن است با تغییر عادت‌های ساده‌آغاز شود؛ بستن کمربند ایمنی، رعایت سرعت مجاز، پرهیز از سبقت غیرمجاز و توجه به شرایط جاده. این اقدامات شاید برای برخی افراد محدودکننده یا دشوار به نظر برسند، اما هزینه آنها در مقایسه با پیامدهای یک حادثه ناچیز است.

معلولیت: بخش فراموش‌شده آمارها

تلفات جاده‌ای تنها بخش آشکار حوادث است. شمار زیادی از مصدومان زنده می‌مانند، اما با ضایعه نخاعی، قطع عضو، آسیب مغزی یا دیگر معلولیت‌های مادام‌العمر به زندگی ادامه می‌دهند. این گروه معمولاً کمتر از کشته‌شدگان در آمارها و گزارش‌های عمومی دیده می‌شوند.

سالانه بین بیست تا پنجاه میلیون نفر در جهان دچار آسیب‌های غیرکشنده می‌شوند و بخش قابل‌توجهی از این آسیب‌ها به معلولیت‌های طولانی‌مدت یا دائمی منجر می‌شود. پیامد این حوادث تنها متوجه مصدوم نیست و خانواده و نیز سال‌ها با هزینه‌های درمانی، مراقبتی و روانی روبه‌رو می‌شود.

نادی می‌گوید: «مرگ، اتفاقی بسیار مخرب است، اما پس از سوگوار، التیام حاصل می‌شود. حال آنکه وقتی جوانی بیست‌وپنج‌ساله دچار ضایعه نخاعی می‌شود، هر روز پیش چشم پدر و مادرش نیاز به مراقبت و پوشک‌کردن دارد و تا پایان عمر هیچ توانی برای فعالیت فیزیکی ندارد.»

او ادامه می‌دهد: «تصور کنید این فرد تا پنجاه یا شصت‌سالگی عمر می‌کند؛ این فاصله زمانی چه هزینه‌های روانی و مالی سنگینی برای خانواده و جامعه به همراه دارد.»

بخش بزرگی از این معلولیت‌ها قابل‌پیشگیری است؛ به‌شراط آنکه فرهنگ ایمنی، رعایت قوانین، استفاده از کمربند و خودداری از رانندگی پرخطر در جامعه نهادینه‌شود.

سهم جاده، خودرو فرهنگ رانندگی

تحقیقات سازمان جهانی بهداشت، شش عامل اصلی رانندرز حوادث جاده‌ای مؤثر می‌داند: ایمنی راه‌ها، ایمنی وسیله نقلیه، قوانین راهنمایی و رانندگی، فرهنگ رانندگی، سرعت و کیفیت پاسخ‌گویی تیم‌های امداد.

در ایران، جاده‌های فرسوده و خودروهای ناایمن از عوامل مهم تصادفات هستند، اما رفتار رانندگان نیز سهم تعیین‌کننده‌ای دارد. سرعت غیرمجاز، انحراف به چپ، نیستن کمربند ایمنی و بی‌توجهی به قوانین می‌تواند حتی در جاده‌ای آشنا، حادثه‌ای مرگبار رقم بزند.

نادی معتقد است فرهنگ رانندگی اصلی‌ترین عامل

در بروز حوادث است: «همان جاده جالوس که بیش از شصت سال پیش ساخته شده، با یک خودروی معمولی مانند پرلاید، اگر فرهنگ رانندگی درست حاکم باشد، می‌توان احتمال زنده‌ماندن را افزایش داد. اما اگر سرعت غیرمجاز انحراف به چپ، نیستن کمربند و بی‌توجهی باشد، قطعاً حادثه‌ای مرگبار رخ خواهد داد.»

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

اقدامی برای ارتقای سطح حفاظت و صیانت از گنجینه‌های ارزشمند هنرهای سنتی ایران فروگذار نخواهد کرد. هدف نهایی از این فرآیند، حفظ هرچه بهتر این آثار برای آیندگان و فراهم کردن زمینه شکل‌گیری موزه‌ای در شأن هنرهای ملی ایران است.» | ایستا

علی دارابی:

ارزیابی‌های کارشناسی نشان داد

محل نگهداری این آثار

واجد تمامی الزامات

و استانداردهای مورد نیاز

برای نگهداری بلندمدت

گنجینه‌های ارزشمند فرهنگی

و هنری نیست. آرایز رو

انتقال آثار به فضایی برخوردار

از زیرساخت‌های استاندارد

موزه‌ای در دستور کار قرار گرفت

گردشگری ایران در بن‌بست رانت و تحریم



مهسا مطهر |

راهنمای گردشگری |

وضعیت کنونی صنعت گردشگری ایران را می‌توان «تعطیلی کامل» توصیف کرد. از خرداد سال گذشته تاکنون، درآمد بخش عمده‌ای از فعالان این حوزه صفر یا حتی منفی بوده است. بسیاری از فعالان گردشگری برای حفظ نیروهای خود، هزینه حقوق و بیمه پرداخته‌اند، بی‌آنکه درآمدی داشته باشند و همین مسئله زیان آنها را بیشتر کرده است. نیروهای متخصص تعدیل شده‌اند و بسیاری از فعالان این صنعت ناچار شده‌اند از گردشگری یا حتی از کشور مهاجرت کنند. شرایط به‌اندازای دشوار شده است که به برخی همکاران توصیه کرده‌ام برای گذران زندگی، موقتاً به مشاغل غیر از گردشگری روی بیاورند. این بحران تنها نتیجه جنگ، تحریم یا وضعیت سیاسی نیست، زیرساخت‌های نامناسب حمل‌ونقل، نبود ثبات اقتصادی، مدیریت سنتی، فقدان ارتباط علمی با جهان و نداشتن برنامه‌ای مدون برای بازگرداندن گردشگران، مجموعه‌ای از موانع را ایجاد کرده‌اند که حتی در صورت دستیابی به توافق سیاسی نیز به‌سرعت برطرف نخواهند شد.

در مقاصد گردشگری، توسعه حمل‌ونقل معمولاً ابتدا به‌دلیل نیاز شهروندان ساکن آن منطقه اتفاق می‌افتد و گردشگران نیز از آن بهره می‌برند. پس از شکل‌گیری جریان گردشگری، سرمایه‌گذاری برای توسعه مقصد آغاز می‌شود و به‌تبع آن، حمل‌ونقل متناسب با نیاز گردشگران نیز گسترش می‌یابد. متروی پاریس برای ساکنان این شهر ساخته شد و گردشگران بعدها از آن استفاده کردند؛ هرچند برخی مسیرها نیز متناسب با نیاز گردشگران توسعه یافت.

در ایران، اما مشکلات متعدد حمل‌ونقل به مانعی جدی در مسیر گردشگری تبدیل شده است. برنامه‌ریزی برای سفر با قطار، به‌دلیل دشواری رزرو بلیت، محدودیت ظرفیت، نبود امکان رزرو کوهی و عوامل دیگر، مدت‌هاست بسیار محدود شده یا عملاً از دسترس خارج شده است.

لغو پروازهای به دلیل جنگی و برای حفظ امنیت مسافران گریزناپذیر است، اما کنسلی یا تأخیر پروازها به‌دلیل نبود زیرساخت یا برنامه‌ریزی‌های خلق الساعه، حتی سفرهای عادی داخلی را نیز با مشکل مواجه می‌کند. در چنین شرایطی، سخن گفتن از توسعه گردشگری معنای چندانی ندارد.

سال‌هاست که در زمان‌های خاصی از سال، با صدور بخشنامه، ناوگان اتوبوس‌رانی به‌سمت مرزها هدایت می‌شود. نخستین سال اجرای این تصمیم با فصل پر فروش تورهای خارجی به ایران هم‌زمان بود. بدون اطلاع قبلی، رزرو ناوگان اتوبوس‌رانی فعالان گردشگری لغو شد و آنها نتوانستند به تعهدات خود در برابر گردشگران عمل کنند. پس از آن، بسیاری از فعالان صنعت گردشگری ترجیح دادند در آن بازه زمانی از فروش و بازاریابی تور خودداری کنند.

نیود قطعیت مالی نیز امکان فعالیت حرفه‌ای را از بین برده است. وقتی نرخ دلار در دو روز به شکل غیرمنتظره‌ای بالا

می‌رود و قیمت‌ها لحظه‌ای تغییر می‌کنند، امکان قیمت‌دهی به تورهای خارجی وجود ندارد. این در حالی است که تصمیم‌گیری برای سفر به یک مقصد ناگهانی نیست و گاهی تورگردانان و مسافران یک یا دو سال زودتر برای رزرو تور اقدام می‌کنند. چشم‌انداز آینده نیز چندان روشن نیست. براساس

برخی پژوهش‌های انجام‌شده درباره بازگشت گردشگری پس از جنگ و بحران، به‌طور متوسط شش ماه تا یک سال پس از تثبیت شرایط سیاسی و امنیتی، جریان گردشگری-در صورت وجود برنامه‌ریزی و تلاش مقصد-باز می‌گردد. شرایط ایران، اما متفاوت است.

ایران پیش از این بحران‌ها نیز در منطقه خاورمیانه جایگاه بالایی در گردشگری نداشت. اعتبار بین‌المللی کشور آسیب دیده و برنامه مدونی برای بازگرداندن گردشگران وجود ندارد. بنابراین، احتمال بازگشت جریان گردشگری بسیار کمتر است و ممکن است حتی پس از هرگونه توافق یا صلح، دست‌کم دو سال زمان لازم باشد تا نشانه‌های بهبود دیده شود.

از سوی دیگر برداشت‌شدن تحریم‌ها الزاماً به‌معنای نجات بخش خصوصی فعلی گردشگری ایران نیست. در صورت رفع تحریم‌ها، شرکت‌های بزرگ فرامیتی با برخورداری از فناوری، سرمایه و تجربه وارد بازار خواهند شد و نمایندگی با سهم بازار را در اختیار خواهند گرفت. بخش خصوصی سنتی ایران برای مواجهه با چنین شرایطی آماده نیست و اگر خود را به‌روز نکند، از صحنه رقابت حذف خواهد شد.

ریشه بخشی از مشکلات گردشگری ایران را باید در ذهنیت سنتی مدیران و فعالان این صنعت جست‌وجو کرد؛ ذهنیتی مبتنی بر مدیریت کاروان‌های راه ابریشم، به‌جای هممان‌نوازی مدرن در عصر فناوری. نبود استراتژی نوین و درکنندون تحولات جهانی از مشکلات اساسی و مؤثر در این صنعت است. فعالان گردشگری ایران به‌دلیل سال‌ها انزوا، به‌سختی نوظهور گردشگری هنوز واگزان و مفاهیمی بیگانه در این صنعت به شمار می‌روند. حتی پس از برقراری ثبات در ایران و منطقه، کارهای بسیار زیادی برای بازسازی این صنعت باید انجام شود.

فعالان گردشگری باید به‌جای اصرار بر ادامه شکل سنتی

مشغول در صنعت مهمان‌نوازی، به‌دنبال طراحی محصولات

جدید باشند. تحقق این هدف به آموزش، دسترسی به دانش

روز و به‌روگیری از مشاوران خیره و بین‌المللی در حوزه مدیریت

مقصد و گردشگری نیاز دارد. مدل قدیمی صنعت گردشگری

در ایران دیگر کارایی ندارد و تغییر، اجتناب‌ناپذیر است.